





دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده ادبیات فارسی و زبانهای خارجی

جنون در چهار مثنوی عطار

(منطق الطیر، مصیبت نامه، الهی نامه، اسرار نامه)

کتابخانه ادبیات فارسی
دانشگاه علامه طباطبائی

نگارش: حسین علیقلی زاده

استاد راهنما: آقای دکتر محمد حسین بیات

استاد مشاور: آقای دکتر سعید واعظ

۱۳۸۷ / ۲ / ۲۱

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

تیر ماه ۱۳۸۶

۱۵۱۳۵۱

فرم گردآوری اطلاعات پایان نامه ها

کتابخانه مرکزی دانشگاه علامه طباطبائی

| | | |
|---|-------------------------------------|----------------------------------|
| عنوان : جنون در چهار مثنوی عطار (منطق الطیر، مصیبت نامه، الهی نامه، اسرار نامه) | | |
| نویسنده / محقق : حسین علیقلی زاده | | |
| مترجم : ----- | | |
| استاد راهنما: دکتر محمدحسین بیات استاد مشاور: دکتر سعید واعظ | | |
| استاد داور: دکتر علی اکبر عطرفی | | |
| کتابنامه: دارد | واژه نامه: ندارد | |
| نوع پایان نامه: بنیادی <input checked="" type="checkbox"/> | توسعه ای <input type="checkbox"/> | کاربردی <input type="checkbox"/> |
| مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد | سال تحصیلی: ۱۳۸۵-۱۳۸۶ | |
| محل تحصیل: تهران | نام دانشگاه: دانشگاه علامه طباطبائی | |
| دانشکده: ادبیات فارسی و زبانهای خارجی | | |
| تعداد صفحات: ۲۴۲ صفحه | گروه آموزشی: زبان و ادبیات فارسی | |
| کلید واژه ها به زبان فارسی: جنون، دیوانه، عقل، عاقل، معرفت، عرفان، عشق. | | |
| کلیدواژه ها به زبان انگلیسی: Madness- mad-intellect- wise- knowledge-mysticism- love | | |

چکیده

الف. موضوع و طرح مسأله (اهمیت موضوع و هدف):

به علت اینکه عطار بعد از سنایی، عرفان را به طور گسترده و منسجم در شعر خود آورده است و مفاهیم عرفانی را در ادبیات به صورت منظوم بیان کرده است و شاعران عارف بعد از او تحت تأثیر او بوده اند، ما برای هر چه بهتر شناختن شاعران عارف بعد از او، و نیز عقاید و افکار آنان، اول باید با عطار و اندیشه های عرفانی او و نیز شیوه سلوک و حقیقت جویی او آشنا شویم تا بتوانیم از این طریق به شناخت هر چه بهتر عارفان و شاعران عارف بعد از او نایل شویم.

از جمله شاعران عارف که بر تأثیر انکار ناپذیر عطار اعتراف کرده اند، مولانا جلال الدین بلخی است که خودش یکی از قطب های عرفان اسلامی است و ما برای شناخت بهتر و بیشتر مولانا و فهم کتابهای او و نیز عرفان بعد از عطار باید با اندیشه های عطار آشنایی پیدا کنیم. یکی از موضوعات مهم و گسترده ای که در مثنوی های عطار خصوصاً منطق الطیر، مصیبت نامه، الهی نامه و اسرار نامه آمده است، بحث جنون است که در صورت و قالب دیوانه متجلی شده است و این جنون و دیوانگی در آثار بعد از عطار نیز وجود دارد و ما می توانیم با تبیین این موضوع در آثار عطار، راه را برای فهمیدن آثار عرفانی بعد از عطار روشن سازیم.

ب. مبانی نظری شامل مرور مختصری از منابع، چارچوب نظری و

پرسشها و فرضیه ها:

با توجه به علاقه شخصی و مطالعات جانبی که در زمینه عرفان داشته ام و همچنین کتابهای «تاریخ جنون» میشل فوکو و «دیدار با سیمرغ» تقی پورنامداریان و نیز کتابهای منطق الطیر و مصیبت نامه عطار را مطالعه کرده بودم، در دو کتاب اخیر عطار به طور گسترده با مقوله جنون و دیوانه بر خورد کردم و با طرح سؤالات و فرضیه های زیر موضوع پایان نامه را انتخاب کردم.

جنون چیست؟ دیوانه عطار چه نوع دیوانه ای است؟ آیا دیوانه عطار کسی است که عقل خود را از دست داده و جاهل است؟ یا اینکه دیوانه ای است که از عقل آن سو تر رفته و عاشق شده است؟ آیا دیوانه عطار به وحدت وجود یا فنا رسیده است یا نه؟ آیا دیوانه عطار بر خدا معرفت حقیقی دارد یا اینکه معرفت و آگاهی او سطحی یا عوام فریبانه است؟ دیوانگان عطار چه صفاتی دارند که آنها را از دیگر دیوانه ها متمایز می کند؟ و آیا دیوانه عطار مورد حمایت خود او نیز هست یا نه؟ و اگر هست دلایل محبوبیت آنها در نزد عطار چه چیزهایی است؟ و بالاخره این سؤال که جایگاه عقل و جنون در مثنوی های عطار چگونه است؟

پ. روش تحقیق شامل تعریف مفاهیم، روش تحقیق، نمونه‌گیری و روش‌های نمونه‌گیری، ابزار اندازه‌گیری، نحوه اجرای آن، شیوه گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها:

برای بررسی جنون در مثنوی‌های عطار، ابتدا آنها را به دقت مطالعه کردیم و ابیات و شواهدی را که مربوط به جنون و دیوانه و عقل بود، جمع‌آوری کردیم و بحث معرفت و تحیر را فیش‌بندی کردیم؛ بعد کتابها و مقالات مختلفی را که در موضوع جنون و عقلاء مجانین و عقل و عشق نوشته شده بودند و نیز همه کتابهایی که درباره عطار و آثار او تألیف شده بودند، مطالعه کردیم و موضوعات بالا را که در آن منابع آمده بود، گردآوری کردیم و به صورت فیش دسته‌بندی کردیم و آنها را در موضوعات مختلف طبقه‌بندی کردیم و رساله را در سه گفتار آوردیم و شواهد و ابیات فیش‌بندی شده و مطالب گردآوری شده را در ذیل هر عنوان از این سه گفتار آوردیم. و همچنین گفتارها را به بخشها و موضوعات فرعی تقسیم کردیم و به صورت دقیق و مفصل همه موضوعات را با ذکر شواهد تشریح کردیم.

در گفتار اول ابتدا عقل را تعریف کردیم و پیشینه مباحث مربوط به عقل، تا عطار را آوردیم بعد به نظر خود عطار در مورد عقل و حوزه شناخت آن اشاره کردیم. در گفتار دوم که به جنون اختصاص دارد، اول جنون را تعریف کردیم، بعد به طریق معرفتی جنون اشاره کردیم و در ادامه، جنون در آثار عطار را بررسی کردیم. در گفتار سوم درباره دیوانگان عطار بحث کردیم و خصوصیات و ویژگی‌های آنان را در موضوعات مختلف تقسیم‌بندی نمودیم و با ارائه شاهد از حکایت‌های دیوانگان در چهار مثنوی او، ذکر کردیم.

ت. یافته‌های تحقیق:

نتایج بررسی‌ها و مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که دیوانه عطار از ترس خداوند دیوانه شده است. او عاشق حق است و در تمام مراحل زندگی خود می‌تواند به عنوان یک انسان کامل و عاشق حق و یک عارف حقیقی، سر مشق و الگوی سالکان راه حق قرار گیرد.

دیوانه عطار کسی است که خدا بر دلش تجلی کرده است و چون دل او ظرفیت پذیرش آن تجلی را نداشته است، عقلش زایل گشته و دیوانه شده است.

در آثار هیچ شاعر و عارفی به اندازه آثار عطار به مسأله جنون و دیوانه پرداخته نشده است. حضور دیوانه در شعر عطار مهمترین ویژگی آثار اوست. همچنین در نظر عطار عقل اگر با شرع همراهی کند، می‌تواند مرحله‌ای از شناخت را طی کند ولی در نهایت پای خرد لنگ می‌شود و از راه باز می‌ماند: «خرد در راه تو طفلی به شیر است». و سالک باید با کشف و شهود عرفانی و سیر و سلوک دل، به راه خود ادامه دهد که در این مرحله سالک بی‌واسطه با خداوند مرتبط می‌شود.

ث. نتیجه گیری و پیشنهادات:

ارائه عرفان نظری منسجم و گسترده با زیر بنای فکری قوی و منظم و همچنین عرفان عملی با حضور گسترده دیوانگان با ویژگیهای رفتاری و گفتاری منحصر به فرد در شعر، شخصیت عطار را در بین شاعران ادبیات فارسی برجسته و ممتاز کرده است، طوری که مولوی - که خودش در اوج قله ادبیات عرفانی فارسی قرار دارد - بارها بر تأثیر عطار و بزرگداشت مقام وی تأکید کرده است. اما در موضوع جنون و دیوانگان عطار کاری مستقل انجام نشده است و این رساله اولین اثری است که مستقلاً به این موضوع مهم پرداخته است و اگر هم مطلبی در مورد دیوانگان عطار گفته شده است، در لابه لای کتابهایی که در مورد عطار و شعر او نوشته شده است و یا کتابهای عرفانی دیگر که سیر عرفان را بررسی کرده اند، آمده است و اثری مستقل در این زمینه چاپ نشده است. امید است در آینده تحقیقات و پژوهش های شایانی در این زمینه انجام گیرد.

صحت اطلاعات مندرج در این فرم بر اساس محتوای پایان نامه و ضوابط مندرج در فرم را گواهی می نمایم.



نام استاد راهنما: ~~_____~~

رئیس کتابخانه:

سمت علمی: ~~دانشیار~~

نام دانشکده: ~~ارشد~~

تقدیم به پدر و مادرم

چکیده

حقیقت جویی ویژگی فطری آدمی است و انسانها از دیرباز به مقدار استعداد و وسعت اندیشه خود در جستجوی حقیقت بودند و بعد از اسلام موضوع معرفت حق و حقیقت جویی به شکل گسترده ای در میان طبقات مختلف جامعه رواج یافت و فرقه های مختلف برای شناخت حق به وجود آمد. گروهی از اندیشمندان و حکیمان بر این باور بودند که عقل می تواند انسان را به معرفت حقیقی برساند، که با اجرای احکام شرع و با همراهی عقل با شرع می توان به حقیقت رسید. اما در بین این طبقات اجتماعی گروهی بودند که نظری متفاوت با این گروه داشتند و اینان «عارفان» بودند که می گفتند عقل و شرع تا مرحله ای محدود می تواند انسان را یاری کند و پرداختن به شرع، خودش گرفتاری در امور دنیوی است و معرفت حقیقی، برتر و فراتر از شناخت عقل و ظاهر شرع است و آن، به عین الیقین و محو در خدا منجر می شود و به دست نمی آید، مگر باگذشتن از مراحل معرفتی عقل و ظاهر شرع، که تنها در محدوده محسوسات است، و نیز دستیابی به این معرفت از طریق کشف و شهود و مکاشفات دل امکان پذیر است، که خدا از طریق دل بر شخص تجلی می کند و چون انسان قدرت پذیرش آن تجلی را ندارد، همچنان که کوه طور متلاشی شد، عقل آدمی نیز از بین می رود که این مرحله را جنون نامند و کسی که به این معرفت دست می یابد و به مقام جنون می رسد مجنون یا دیوانه و یا شوریده و مجذوب و... به او اطلاق می شود. و دیگر آن عقل دور اندیش و منفعت طلب در او بر کار نیست.

دیوانگان عطار عمیق تر و گسترده تر از دیوانگان دیگر مطرح شده در عرفان اسلامی است و دارای ویژگی های خاصی است که تحت عنوان «دیوانه و زندگی شخصی او»؛ «شیوه بیان و استدلال دیوانه»؛ «دیوانه و اجتماع»؛ «دیوانه و شرع»؛ «دیوانه و معرفت» و «هنجار شکنی دیوانه» مورد بررسی قرار گرفته است. شکل ترتیب موضوعات چنان است که بحث از زندگی

شخصی دیوانه شروع شده و با شیوه بیان او و ارتباط او با جامعه، که به عنوان یک مصلح دردهای اجتماع را شناسایی می کند و در طلب اصلاح آن بر می آید، ادامه پیدا می کند. و نیز بحث «دیوانه و شرع» پیش می آید که دیوانه از قید شرع آزاد است و هر چیزی را که بخواهد می تواند انجام دهد و اعمالش مخالف با ظاهر شرع است و بعد به «معرفت» دیوانه می رسیم که این عنوان خودش یک ترکیب پارادوکسیکال یا متناقض نماست و در «معرفت» دیوانه هم، او اول خود شناسی می کند بعد هستی را می شناسد و در آخر از همه به خدا شناسی می رسد و در خدا شناسی نیز آخرین مرحله خداشناسی، محو در خدا و تحیر در او و شناخت اوست و بعد از آن «نوع ارتباط دیوانه با خدا» و صمیمیت و گستاخی او با خدا و «معرفت دیوانه به حقایق اعمال و اشیا» آمده است و در نهایت نیز «هنجار شکنی دیوانه» است که می تواند همه بحث های رساله را شامل شود. تنها ویژگی خاص و ممتازی که دیوانگان عطار دارند و حلقه ارتباطی تمام بحث ها و موضوعات دیوانگان است و هیچ موقع هم قطع نمی شود، ارتباط زنده و پویای آنها با خداوند است، طوری که این ارتباط با خدا از زندگی شخصی او شروع شده و تا آخرین مرحله معرفت حقیقت ادامه پیدا می کند و هیچ موقع هم گسست ندارد.

فهرست مطالب

| | |
|---|-----|
| پیش‌گفتار..... | |
| گفتار اول : عقل | ۱ |
| تعریف عقل و پیشینه « عقل و معرفت خدا » تا عطار | ۲ |
| عقل از دیدگاه عطار | ۱۸ |
| گفتار دوم : جنون | ۳۰ |
| تعریف جنون و پیشینه آن تا عطار | ۳۱ |
| جنون در آثار عطار : | ۴۶ |
| علت حضور دیوانگان در داستان های عطار..... | ۴۶ |
| محبوبیت شخصیت دیوانه در نظر عطار و طبقه معترض جامعه او..... | ۴۸ |
| گفتار سوم : دیوانگان عطار | ۵۴ |
| ۱. دیوانه و زندگی شخصی او | ۵۸ |
| ۱-۱. عناوین واسامی دیوانگان | ۵۸ |
| ۱-۲. محل زندگی دیوانگان | ۶۳ |
| ۱-۳. شیوه زندگی درد و رنج و گرفتاری های دیوانه | ۶۵ |
| ۲. شیوه بیان و استدلال | ۸۳ |
| ۲-۱. طنز در بیان دیوانه..... | ۸۵ |
| ۲-۲. اسلوب الحکیم یا «قول به موجب» در بیان دیوانه | ۹۱ |
| ۲-۳. پاسخ های اقماعی به سؤال کنندگان | ۹۷ |
| ۳. دیوانه و اجتماع | ۱۰۱ |

- ۱۰۱..... ۳-۱. درک نکردن مردم حال دیوانگان را
- ۱۰۳..... ۳-۲. اعتراض و اندرز به طبقه حاکم
- ۱۰۹..... ۳-۳. اعتراض و اندرز به دنیا داران و ظالمان
- ۱۲۲..... ۳-۴. اعتراض به آداب و رسوم غلط و خرافات
- ۱۲۵..... ۳-۵. درک دیوانه از مسائل اجتماعی
- ۱۲۷..... ۴. دیوانه و شرع:
- ۱۲۹..... ۴-۱. آزادی دیوانه از قید شرع و عقل
- ۱۳۲..... ۴-۲. اعمال به ظاهر خلاف شرع دیوانه
- ۱۳۵..... ۴-۳. اعتراض به متشرعان ریاکار
- ۱۳۷..... ۵. دیوانه و معرفت
- ۱۳۸..... ۵-۱. خود شناسی
- ۱۳۹..... ۱. آگاهی از اصل وجود خویش
- ۱۴۰..... ۲. تحیر در شناخت خود
- ۱۴۲..... ۳. اعتماد به نفس
- ۱۴۴..... ۴. ایمان و قدرت معنوی
- ۱۴۵..... ۵-۲. هستی شناسی
- ۱۴۶..... ۱. آگاهی از حقیقت دنیا و بی اعتباری آن و فرجام کار
- ۱۵۳..... ۲. تحیر در برابر هستی
- ۱۵۵..... ۳. غنیمت شمردن فرصت دنیا با توجه به ناپایداری آن
- ۱۵۶..... ۴. مرگ، فرجام کار

| | |
|-----|--|
| ۱۶۰ | ۳-۵. خدا شناسی |
| ۱۶۳ | ۱. توصیف و معرفی خدا |
| ۱۶۶ | ۲. درد حق داشتن دیوانه |
| ۱۶۹ | ۳. تسلیم امر خدا بودن |
| ۱۷۱ | ۴. دیوانه ؛ عاشق صادق |
| ۱۷۳ | ۵. جانبازی و شجاعت دیوانه |
| ۱۷۷ | ۶. محبوبون دیوانه در حق |
| ۱۸۲ | ۷. تحیر در شناخت حق |
| ۱۹۳ | ۴-۵. نوع ارتباط با خدا |
| ۱۹۳ | ۱. صمیمیت |
| ۱۹۴ | ۲. عجز و لابه و درخواست |
| ۱۹۵ | ۳. اعتذار و پشیمانی |
| ۱۹۵ | ۴. گستاخی با خدا |
| ۲۱۸ | ۵-۵. معرفت به حقایق اعمال و اشیا |
| ۲۲۳ | ۶. دیوانه و هنجارشکنی |
| ۲۲۷ | ۱-۶. هنجارشکنی در شرع |
| ۲۳۰ | ۲-۶. هنجارشکنی در عادت و عرف |
| ۲۳۱ | ۳-۶. هنجارشکنی در آداب و رسوم |
| ۲۳۵ | نتیجه گیری |
| ۲۳۹ | فهرست منابع |

پیش گفتار

حقیقت جویی و معرفت به آن، موضوعی است که ذهن انسانها را از اول پیدایش تا کنون و نیز تا آخر آفرینش، به طور دائم به خود مشغول داشته است و مشغول می دارد. در این سیر تکاملی، پیامبران الهی نقش به سزایی در هدایت افکار به سمت حقیقت و نیز راههای معرفت حق و حقیقت داشته‌اند. بعد از اسلام نیز طبقات مختلفی از مردم، از زاهدان و فقیهان و صوفیان و فیلسوفان و حکیمان و... با الهام از اندیشه های اسلامی، هر کدام به نحوی و با راه تقریباً متفاوتی از یکدیگر، دنبال این عنقای مغرب رفتند. در بین این طبقات اجتماعی، طبقه ای بودند که سیر معرفتی این ها تمایز آشکاری با دیگر طبقات اجتماعی داشت. «عارفان» طبقه ای بودند که افکار و نظرات خود را به صورت منظم و مدون در کتابهایی تالیف کردند و یا بسیاری از رفتارها و آداب و رسوم و هنجارهای اجتماعی مخالفت کردند و یا از آنها کناره گرفتند و آنها را رعایت نکردند. یکی از این عارفان شیفته و مجذوب حق عطار است که با آثارش عقاید عرفانی خود را به صورت ادبیات مکتوب، منظوم و منثور، در اختیار سالکان و پیروان راه حقیقت قرار داده است. پیش از مباحث اصلی به اختصار عطار را معرفی می کنیم :

نام و القاب عطار :

« نام وی به اتفاق اکثر مورخین و تذکره نویسان «محمد» است و این روایتی است درست و

مطابق با گفته خود او :

| | |
|--------------------------------|---------------------------|
| آنچه آن را صوفی آن گوید به نام | ختم شد آن بر محمد والسلام |
| من محمد نامم و این شیوه نیز | ختم کردم چون محمد ای عزیز |

کنیه او به گفته محمد عوفی «ابوحامد» است و لقب او «فریدالدین» است. شیخ ما در غالب

قصائد و غزلیات و سائر آثار خویش از خود به لفظ «عطار» نیز یاد می کند و معاصرین و دیگران

هم او را بدین عنوان شناخته اند و شهرت این عنوان به حدی است که نام و عناوین دیگر او را تحت الشعاع قرار داده و تقریباً از خاطرها برده است و علت شهرت او بدین نام چنانکه علامه فقید محمد قزوینی در مقدمه تذکره الاولیا ذکر فرموده‌اند آنست که وی دارو فروش بوده و طبابت می کرده و در عرف چنین کسی را عطار می گفته‌اند و هنوز هم می گویند. شیخ ما عنوان «فرید» و «عطار» را مانند تخلص در قصاید و غزلیات و در خطاب خود در مثنویاتش می آورد و گاه در محل واحد و با فاصله اندک هر دو عنوان را ذکر می کند .

تاریخ ولادت و وفات عطار :

«گمان می رود که ولادت شیخ در حدود ۵۴۰ (پانصد و چهل) اتفاق افتاده و نزدیک به هشتاد سال و علی التحقیق هفتاد و اند سال زندگی کرده است . و اما قدیمترین مأخذ درباره پایان کار عطار، روایت ابن الفوطی است «و استشهد علی یدالتار بنیسابور» ؛ که به موجب آن معلوم می شود که عطار به مرگ طبیعی نمرده و شربت شهادت نوشیده و محل قتلش شهر نیشابور بوده است . ابن الفوطی سال قتل او را تعیین نمی کند ولی اینکه شهادت او به دست تار و در شهر نیشابور اتفاق افتاده، قرینه است به اینکه وقوع قتل وی در حادثه فتح نیشابور و کشتار عام آن شهر بر دست مغول بوده است و چون فتح و قتل عام نیشابور به تصریح عطاملک جوینی در روز شنبه پانزدهم صفر سال ۶۱۸ (ششصد و هیجده) اتفاق افتاده و تا پانزده روز طول کشیده پس شهادت شیخ علی التحقیق در نیمه دوم صفر همان سال به وقوع پیوسته است». (شرح احوال و نقد و تحلیل آثار عطار، صص ۷۶-۱) دکتر شفیع کدکنی در مقدمه ای که بر منطق الطیر عطار نوشته و آن را تصحیح کرده و حواشی و تعلیقات زده و چاپ کرده است، درباره تاریخ ولادت و وفات عطار نظر دیگری دارد، او می نویسد:

«می توان فرض کرد که در منبع نقل گفتار (تذکره دولتشاه) که ثلاث عشر و خمسمائه (۵۱۳) سال تولد عطار است به جای «عشر» که شاید تصحیف «خمسین» است ، ثلاث و خمسین و خمسمائه باشد یعنی عطار متولد ششم شعبان ۵۵۳ است و متوفی در دهم جمادی الثانی سال ۶۲۷ و بنابراین روایت، عمر او عمری طبیعی در حدود هفتاد و چهار سال خواهد بود و این امری است معقول.» (منطق الطیر عطار، شفیع کدکنی، ص ۵۳)

معلومات عطار :

«چنانچه از مطالعه آثار عطار بر می آید وی مردی بوده است که مطلع از علوم و فنون ادبی و حکمت و کلام و نجوم و محیط بر علوم دینی از تفسیر و روایت احادیث و فقه و به اقتضای شغل خود بصیر در گیاه شناسی و معرفت خواص ادویه و عقاقیر؛ و آگاهی از مبادی طب نیز قابل انکار نیست. اطلاعش از علوم نجوم نیز انکار پذیر نیست و از آثارش بر می آید که به حل اسرار فلک و آگاهی از سیرچرخ و ستارگان عشقی داشته و در ستاره شناسی و نجوم کنجکاو بوده است. علی رغم بیزاری از فلسفه و نقد فیلسوفان در حکمت طبیعی و الهی نیز قوی دست بود و کتاب اسرار نامه اش چکیده عقاید و آراء اصحاب حکمت است و نظر او در مسأله خداشناسی و وحدت وجود متکی است به دلایل متین و براهین متقن . علوم عقلی و نقلی را تحصیل کرده و در طلب این فنون صرف وقت و بذل جهد نموده ولی علوم برهانی را مفید نشناخته و نقل و سمعیات را نافع تر دیده و بدین سبب از فلسفه روی برگاشته است . و نیز در مسائل مهم فلسفه نظرهای دقیق و عالی دارد .

عطار و علوم دینی :

«نخستین چیزی که از مطالعه آثار عطار محقق می گردد احاطه و وسعت اطلاع اوست در علوم دینی به خصوص تفسیر قرآن و حدیث و قصص و روایات مذهبی و کتب او مشحون است به مضامینی که از آیات قرآن یا حدیث سرچشمه می گیرد.

آثار عطار :

«درباره آثار عطار تذکره نویسان سخنان مبالغه آمیز و بیرون از تحقیق گفته اند . رضا قلیخان هدایت ۱۹۰ ؛ قاضی نورالله شوشتری ۱۱۴ و دولتشاه سمرقندی ۴۰ کتاب به وی نسبت داده است . شک نیست که شیخ ما شعر بسیار گفته و بدین جهت خود را « پرگوی » و « بسیار گوی » خوانده است :

از ازل چون عشق با جان خوی کرد شور عشقم این چنین پرگوی کرد.

مصیبت نامه، ص ۳۷۱

من به بیهوده شدم بسیارگوی وز شما یک تن نشد اسرار جوی

منطق الطیر، ص ۲۶۲

ولی آثار مسلم عطار همانهاست که درمقدمه خسرونامه و مختار نامه آنها را ذکر کرده و

عبارتست از :

الهی نامه - اسرار نامه - جواهر نامه - خسرو نامه - شرح القلب - مصیبت نامه - مقامات

طیور یا منطق الطیر - دیوان قصائد و غزلیات و مختار نامه که مجموعه رباعیات اوست. (شرح

احوال و نقد و تحلیل آثار عطار، صص ۱-۷۶)

دکتر تقی پورنامداریان در کتاب «دیدار با سیمرغ» درباره سیر اندیشه های عطار در قالب

مثنوی های او می گوید :

«حدس مرحوم فروزانفر درباره ترتیب تاریخی آثار عطار از روی قرائنی که در آثار او موجود است یعنی منطق الطیر؛ مصیبت نامه؛ الهی نامه؛ اسرار نامه، قانع کننده تر می نماید. اگر این نظم را بپذیریم باید قبول کنیم که عطار گفتن شعر را تحت تأثیر گرایش به طریقت شروع می کند و منطق الطیر و مصیبت نامه را می سراید اما بعد به شریعت روی می آورد و سلامت رادر شریعت یا حداقل در طریقتی مبتنی بر شریعت و رعایت حدود می جوید و لب از گفتن آن تجربه هایی که در منطق الطیر و مصیبت نامه طرح شده بود فرو می بندد. الهی نامه و اسرار نامه باید حاصل این بازگشت باشد». (دیدار با سیمرغ، ص ۹۹)

«از نظر سیر تکاملی موضوع کتابها، ترتیب الهی نامه - اسرار نامه - منطق الطیر و مصیبت نامه کاملاً منطقی می نماید. اگر الهی نامه به مرحله شریعت و منطق الطیر به مرحله طریقت مربوط باشد مصیبت نامه به مرحله حقیقت پیوند دارد.» (همان، ۱۱۶).

چون عطار بعد از سنایی عرفان را به طور گسترده و منسجم در شعر خود آورده و مفاهیم عرفانی را در ادبیات به صورت منظوم بیان کرده است و شاعران عارف بعد از او تحت تأثیر عطار بوده اند، ما برای شناخت هر چه بهتر شاعران عارف، اول باید با عطار و اندیشه های عرفانی او و نیز با شیوه سلوک و حقیقت جویی او آشنا شویم تا بتوانیم از این طریق به شناخت هر چه بهتر عارفان و شاعران بعد از او نائل شویم. از جمله شاعران عارف که بر تأثیر انکار ناپذیر عطار اعتراف کرده اند، مولانا جلال الدین بلخی است که خودش یکی از قطب های عرفان اسلامی است و برای شناخت بهتر مولانا و فهم کتابهای او و نیز عرفان بعد از عطار باید با اندیشه های عطار آشنایی پیدا کنیم.

یکی از موضوعات مهم و گسترده ای که که در مثنوی های عطار آمده است، بحث جنون است که در صورت و قالب دیوانه متجلی شده است. دیوانه راه معرفتی متفاوت از زاهدان و

مشرعان و افراد عادی و... دارد. شیوه معرفتی او طور وراء عقل یا جنون است. او از این طریق راهی به سوی حق می جوید اگر چه در هر طریق و راهی که رفته شود شناخت بایسته و شایسته حقیقت مطلق میسر نخواهد شد.

ما برای بررسی جنون، که گذشتن از مرحله شناخت عقلی و زیر پا گذاشتن عقل است، چهارمثنوی او؛ یعنی منطق الطیر، مصیبت نامه، الهی نامه و اسرار نامه را که در آنها موضوع جنون به طور گسترده آمده است، انتخاب کردیم و عنوان رساله را نیز این گونه آوردیم « جنون در چهار مثنوی عطار (منطق الطیر - مصیبت نامه - الهی نامه - اسرار نامه). به دقت این چهار مثنوی را مطالعه کردیم و ابیات و شواهدی را که مربوط به جنون و دیوانه و عقل بود جمع آوری کردیم و بحث معرفت و تحیر و شناخت را نیز فیش بندی کردیم و در رساله ذیل عنوانها و موضوعهای مختلف، آنها را ارائه دادیم. گفتار اول را اختصاص دادیم به عقل که در آن اول عقل را تعریف کردیم و تقسیمات آن را نوشتیم بعد به چگونگی راهبری عقل به معرفت خدا اشاره کردیم و در ادامه نیز نظر عطار را در مورد عقل و معرفت عقلی آوردیم. در گفتار دوم که اختصاص دارد به جنون، اول جنون را تعریف کردیم بعد به طریق معرفتی جنون اشاره کردیم و در ادامه، جنون در آثار عطار را بررسی کردیم. در گفتار سوم، درباره دیوانگان عطار بحث کردیم و خصوصیات و ویژگیهای آنان را در موضوعات مختلف تقسیم بندی نمودیم و با ارائه شاهد از حکایتهای دیوانگان در چهار مثنوی او، ذکر کردیم.

یاد آوری و ذکر چند نکته در اینجا ضروری است. اول این که چون آوردن آیات و به خصوص احادیث در موضوع عقل و جنون و دیوانه، نقشی در پیشبرد بحث ما نداشته است و از سوی دیگر تکرار مکررات بود از ذکر آنها خودداری کردیم و خوانندگان برای آگاهی از آیات و احادیث به کار رفته در آثار عطار می توانند به عنوان مثال به کتاب «فرهنگ کاربرد آیات و روایات

در شعر شیخ فرید الدین عطار» تألیف رضا اشرف زاده مراجعه کنند و نیز برای آگاهی بیشتر از احادیث و روایات مربوط به جنون و عقل و دیوانگی به کتابهای حدیث از قبیل کتب اربعه شیعه ؛ بحار الانوار ؛ صحاح سته اهل سنت و ... مراجعه کنند .

نکته دوم که باید ذکر شود این است که سیال بودن موضوعات در اکثر حکایت های دیوانگان، به خصوص بحث معرفت، باعث می شد که یک حکایت بتواند در جاهای مختلف و در زیر موضوعات مختلف بیاید . اما ما سعی مان بر این بود که حکایتها تا آنجایی که مقدور است تکرار نشوند و یک حکایت را تنها در زیر یک موضوع بیاوریم تا تکرار حکایت باعث ملالت خاطر خوانندگان و نیز پرگویی نویسنده و پرحجم شدن رساله نشود و بر این اساس مبنای ما در گزینش حکایت ها در ذیل موضوعات خاص، برجستگی و مهم بودن آن موضوع در آن حکایت بود که موضوعات مختلف دیگر در آن حکایت، کم نقش تر و کم رنگ تر از آن موضوع بر جسته و ممتاز بودند . البته در بعضی جاها ما مجبور شدیم یک حکایت را در ذیل چند موضوع و عنوان خاص بیاوریم و این امر ناشی از تنوع و تعدد موضوعات در آن حکایت بود که ما مجبور شدیم در دو یا سه جا، یک حکایت را متناسب با آن موضوع ذکر کنیم که البته این حکایت های تکراری به نسبت کل حکایت های تکرار نشده خیلی کم است و تنها در چند مورد معدود و اندک حکایتی تکرار شده است . در آوردن حکایت های دیوانگان قریب به اتفاق و همه موارد، سخنان دیوانگان را به همان صورت منظوم نقل کردیم تا با بازگردانی و نثر نویسی، نکته های نغز و دقیق و هنری از دست نرفته باشد .

و آخرین نکته ای که باید بگوییم این است که در بررسی حکایت های دیوانگان، ما حکایت های مجنون یا قیس بن عامری را که عاشق لیلی بود، کنار گذاشتیم به خاطر این که مجنون لیلی هیچ شباهتی به دیوانگان و مجنون های عطار ندارد به جز عشق مفرط داشتن. و مانند دیوانگان

عطار معترض؛ منتقد؛ گستاخ با خدا؛ ظلم ستیز؛ ظلم گریز؛ اصلاح طلب؛ آسیب شناس دردها و بی‌عدالتیهای اجتماعی و فرهنگی و ... نیست. به این دلایل ما این حکایت‌ها را در بررسی و بحث خودمان کنار گذاشتیم.

در پایان بر خود لازم می‌دانم که از استاد بزرگوار آقای دکتر محمدحسین بیات که راهنمایی این رساله را بر عهده داشتند و در تمام مراحل تدوین آن با مهربانی و سعه صدر و تدبیر و اندیشه خود بنده را راهنمایی کردند، تشکر و سپاس‌گزاری کنم که بی‌وجود راهنمایی و حمایت بی‌دریغ ایشان رساله به این سرانجام نمی‌رسید و نیز از آقای دکتر سعید واعظ که زحمت مشاوره این رساله بر دوش ایشان بود، سپاس‌گزاری می‌کنم.

حسین علیقلی زاده

تیرماه ۱۳۸۶